

مبارزه مسلحانه از مسیر واقعی خویش خارج گشته و جای خود را به نوعی بازی سیاسی داده است. که نه تنها منجر به آزادی قفس نخواهد شد بلکه امید توده های عرب و مردمی که رهایی فلسطین آرمانشان بوده است را به پاس مبدل میسازد. در اینجا این سؤال مطرح میشود که چرا بعد از سالها که از تشکیل این سازمان میگذرد این سازمان نتوانسته است که آن هدف اولیه خویش را که رهایی فلسطین و ایجاد سرزمین آزاد فلسطین بود برسد؟ آیا نیروهای باطل بسیار قدرتمند هستند و برای مقابله و مبارزه با آنها نیست؟ یا ضعف در نیروهایی است که با باطل به نبرد برخاسته اند. کدامیک؟

قبل از اینکه وارد بحث اصلی شده ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه ما منکر مبارزه دراز مدت نبوده و نیستیم و سؤالی هم که مطرح میشود این نیست که چرا مبارزه سازمان آزادیبخش فلسطین طولانی شده است و مثلا چرا در همان سالهای اولیه به پیروزی دست نیافتند. بلکه منظور چگونگی و شیوه مبارزه است که از درون شیوه مبارزه میتوان به اهداف آن پی برد و نتیجه ای را که دست خواهد داد پیش بینی نمود.

بهر حال ۳۲ سال پیش اسرائیل غاصب توسط استکبار جهانی و در سایه سکوت اکثر رژیمهای عربی و خیانت بعضی از رهبران عرب متولد شد. پس از تشکیل این رژیم در سال ۱۹۶۴ سازمان آزادیبخش فلسطین برای مبارزه با آن و آزادسازی سرزمینهای اشغالی بوجود آمد.

این سازمان در بدو تشکیل خط مشی خویش را انقلاب مسلحانه اعلام نمود و با سیاستهای سازشکارانه عمال ابرقدرتها در منطقه مخالفت شدید نمود. رهبران سازمان معتقد بودند که تنها راه رهایی و سرکوب متجاوز مبارزه مسلحانه است و اگر با سیاسی کاری و سازشکاری قصد پیشروی داشته باشند چون امریکا و صهیونیسم در این امر از آنها پیشرفته ترند لذا شکست خواهند خورد و بدین ترتیب مبارزه مسلحانه شکل گرفت و البته موفق هم بود تا اینکه پس از سپتامبر سیاه و ۱۹۷۰ و گسترش فلسطینیها در اردن جناحهایی در سازمان پیدا شده و زمره کلر دیپلماتیک را سر دادند البته لازم تذکر است که از بدو تشکیل اشکالات و خطاهایی در سازمان آزادیبخش فلسطین و در اسلحه آن یعنی در واقع در پیش آن وجود داشت که مختصرا به آن اشاره میشود.

۱- یکی از مواردی که در عدم تدلوم مبارزه از جانب بعضی از اعضای سازمان مؤثر بود این بود که هدف اصلی سازمان دفاع از استقلال فلسطین و بوجود آوردن سرزمین کوچک فلسطین و ایجاد یک دولت دمکراتیک مردمی در آن بود یعنی اصل برگرایشات ناسیونالیستی بود و این باعث شد که بعدها و با مطرح شدن مکاتب فکری و عقیدتی مختلف در بین اعضای سازمان هرکس این گرایش

❖ یکی از اشکالاتی که بر پیش سافت وارد است، خصومت بیشتر آن نسبت به امریکا و ساده اندیشی نسبت به شوروی است.

گذری بر سازمان آزادیبخش فلسطین

آزادی
فلسطین
چگونه قیام
است

❖ پس از پا گذاردن سازمان به مبارزات دیپلماتیک حضور عرفات در سازمان ملل متحد را میتوان سرآغاز مرحله جدیدی از حیات سازمان آزادیبخش فلسطین نامید.



❖ سازمان آزادیبخش فلسطین با سایر نهادها و سازمانها با ایدئولوژیهای مختلف که ظاهرا در مبارزه فلسطینیها نقش داشته اند برخورد سازشکارانه می نماید.

در آستانه سالروز آغاز مبارزه مسلحانه فلسطینی ها بر علیه اسرائیل غاصب هستیم. مبارزه مسلحانه به این امید آغاز شد که شاید راه نجاتی باشد و بتوان در سایه آن اسرائیل متسکرو جنایتکار را شکست داد و سرزمین مقدس قفس را آزاد ساخت.

اما اکنون که در سی و چهارمین سال تشکیل دولت غاصب صهیونیستی هستیم، شاهدیم که

را بگونه‌ای معنی کرده و راه رسیدن به استقلال را به گونه‌ای دیگر و اصولاً گرایش‌های ناسیونالیستی نمی‌توانند یک انگیزه درست و اصولی برای تدلوم مبارزه باشد و در اوجها و حسیضهای مبارزه قادر به یاری رساندن رزمنده‌ها نخواهد بود.

۷- اشکال دیگری که برپیش سازمان وارد است خصوصاً بیشتر آن نسبت به امریکا و سادۀ اندیشی نسبت به شوروی است که همین امر باعث درتنگا قرار دادن سازمان از جانب شوروی در بعضی از مقاطع حساس عمر سازمان است. بعدها بر اساس همین سادۀ اندیشی سازمان بیشترین اسلحه مورد نیاز خود را از روسیه دریافت نمود که به یک معنی یعنی وابستگی تسلیحاتی به شوروی و شوروی نیز این حق را داشت که هر وقت احساس خطر یا عدم امنیتی از جانب سازمان برای او یا اقبال و وابسته اش نمود فوراً اسلحه را قطع نماید و دیدیم که اینگونه روابط با شوروی نه تنها سازمان را در مبارزه ای که در پیش داشت یاری نمود بلکه در بسیاری از جاها بازدارنده مبارزه خصمانه سازمان حتی با امریکا بود. چرا که امریکا و شوروی در اساس با هم تضامنی نداشته و هر جا که موقعیت خویش را در تزلزل ببینند درخفا به یاری هم می‌شایند. بعنوان نمونه میتوان به درگیریهای اخیر اشاره نمود که شوروی با سکوت خویش مهرتندی بر اخراج فلسطینیها از لبنان زد.

۸- سازمان آزادیبخش فلسطین با سایر نهادها و سازمانهایی که ظاهراً در مبارزه فلسطینیها نقش داشته اند برخورد سازشکارانه ای می‌نماید که البته بر اساس گفته خودشان برخوردی دمکراتیک داشتند و البته در این برخورد دمکراتیک حذورمزی وجود نداشت و تنها مسئله ای که مطرح نمیشد رابطه بر اساس روابط ایدئولوژیک بود هر سازمانی اگر ادعا میکرد که در راه آزادی فلسطین می‌جنگد خواه ناسیونالیسم بود و خواه مارکسیسم و یا سوسیالیسم و یا هر مکتب دیگری. از نظر سازمان آزادیبخش فلسطین معتبر بوده و در مبارزه نقش و سهم دارد. البته این بدان معنا نبوده و نیست که مانع از مبارزات سایر سازمانها و نهادها میشد ولی حداقل می‌بایست با آنان بیوند استراتژیک کثرتی داشته باشند و حداقل با آنان وحدت نمایند که اشتراکشان بیش از سایرین باشد. عدم برخورد در این قضیه صد درصد مشخص نبودن ایدئولوژی است که سازمان آن مکتب و ایدئولوژی را راهنمای عمل خویش قرار داده و بی دلیل بر اساس آن مبارزه می‌کند.

۹- مسئله دیگری در لغزشهای بعدی سازمان و فرسایشگرایی آن نسبت به امریکا نقش داشته است. جدا دانستن اروپای غربی از امریکا بود و این در روند چندین ساله سازمان باعث شد که کم کم روابط این سازمان با شرقها تیره تر و با ابدای امریکا مثل عربستان گسترده تر میشد که نمونه این حسن روابط هم پذیرفتن طرح فهد از جانب عرفات است. همچنین میانجی عرفات در مسئله آزادی

کروگانهای امریکایی و جنگ تحمیلی عراق و شرکت در کمیته صلح نمونه‌های دیگری از گرایشهای این سازمان بطرف غرب می‌باشد. و بی‌شک نیست که عرفات در یک مصاحبه اعلام داشته است که: «سازمان در موقعیتهای مختلف نیت نیک خود را به امریکا نشان داده لکن با تمایل متقابل امریکا مواجه شده است. بطور کلی عرفات نقش مذاکره با امریکا را رسمیت دادن به سلف میداند و این را نوعی پیروزی میداند و با اینکه ابریز مردم شماره ۲ افتتاح در یک مصاحبه گفته است که: «ما همه غیر رهایی که از ورود در زبانهای سیاسی متحمل شده ایم حمایت و علاقمندی چندانی را نیز در میان اروپائیان و امریکائیان برای خود بدست نیاورده ایم دلیل اصلی شکست ما در جهل ما نسبت به غرب و پیچیدگی روابط دمکراتیک آن نرفته است و غالباً سیاست امریکایی دولتها را با انگیزه‌های روانی که فی نفسه کاملاً قابل احترام هستند با روش مردم که در برابر ما یقین می‌کنند - خوب از هم جدا نمی‌کنیم».

و این خصوصاً در مورد امریکائیان صادق است. همین نارسائی‌ها و فقدان بیش روشن است که ما را به سمت اتخاذ تصمیمات خاص در جهت تطبیق بیشتر با افکار عمومی غرب و یا پنهان شدن به انفعال و بی‌سرخوردگی سوق میدهد.

علاوه بر تمام مسائل گفته شده که در فاصله گیری سازمان آزادیبخش فلسطین از مسائل مردم فلسطین نقش بسزایی داشته و دارد مسئله عمده دیگر که در اول نیز به آن اشاره کردیم کتاره گیری سازمان آزادیبخش فلسطین از مبارزه مسلحانه و زور آوردن آن به معنی سیاسی است. به نظر مدتی که از تشکیل سلف می‌گذشت رهبریت این سازمان به این نتیجه رسید که باید در عرصه مبارزه دیپلماتیک نیز حضور داشته باشد. و برای توجیه این عمل خویش دلیل می‌آوردند که تازمانی که دنیا ما را تروریست تندرو - پنهاننده و اولوه مطرح می‌کند ما امکان پیروزی و رسیدن به هدف را نخواهیم داشت. مهمترین اشتباهی که سران سازمان در این مسئله کرده اند این است که گفته‌های امریکاییها و اسرائیلیها را به حساب تمام مردم دنیا گذاشته و بر اساس آن برای خویش تعیین تکلیف نمودند بی توجه به این مسئله که کسانی که آنها را تروریست و اولوه میدانند مردم دنیا نیستند بلکه همان کسانی هستند که با نسبت دادن این انقلاب به آنها قصد داشته اند آنها را از راهی که در پیش گرفته منحرف سازند.

پس از پاک کردن سازمان به مبارزات دیپلماتیک حضور عرفات در سازمان ملل متحد را میتوان سر آغاز مرحله جدیدی از حیات سازمان آزادیبخش فلسطین نامید که بعدها با ملاقات وی با کرایسکی صدراعظم اتریش و وهلی برات (دیرکل حزب سوسیالیست) آلمان گرایش دیپلماتیک مسئله عمده سلف شده است. علاوه بر این مسائل دیگری نیز در این گرایش نقش داشتند که از آن جمله میتوان

عدم حمایت مابقی و نظامی کشورهای عرب در صورت اصرار و وزیدن سلف بر مبارزه مسلحانه و ترورشخصیتهای فلسطین معتاد به مبارزه مسلحانه از سوی موساد و نفوذ موره‌های امریکایی در درون سازمان آزادیبخش را نام برد. بعدها یکی از اعضای کلان مرکزی سلف در رابطه با مبارزات دیپلماتیک سازمان چنین گفته است: «آنچه که از آن بیش از همه چیز بیسناک بودیم و در آن موقع باعث احتیاط ما شده بود بالاخره بوقوع پیوست چنین ما گرفتار پیروگرایی شده است. ورزشمدگی خود را از دست داده و به جای آن احترام و ایهت بدست آورد. ما به مقابله و مذاکره با دولتها و رجال قدرتها معتاد شدیم. روی عقاید و آرزوهای آنها حساب می‌کنیم. ولده بیج و خم و بازیهای سیاسی حاکم بر روابط غرب شده و خواه و ناخواه ولده میدان سیاست در بدترین معنای آن شدیم. از ترس اینکه مبادا از جانب سیاستمداران کم و بیش مجرب متهم به تروریسم و تندروی و ماجراجویی شدیم برای اثبات میله روی، نرمش و آشنی پذیری خود هر قدم شتاب کردیم غافل از آنکه رسالت عمده ما اساساً این نیست. به همین دلیل است که ما را بیش از آنکه انقلابی بدانند سیاستمدار تلقی می‌کنند. البته این تغییر چهره ملاحظه‌میان توده‌های عرب که از ما انتظارات دیگری داشته اند شدیداً بنا آسیب زده است».

همچنین در کتاب فلسطینی از قول ابرواید ابروایت آورده شده است که: «بر این اوزیایی‌های غلط از واقعیات جهان عرب آشنیه حساب دیگری نیز افزوده شد و آن این بود که در برابر اوضاع و احوال بحرانی در کشورهای عرب غالباً روابط خود را با رژیمهای حاکم به زبان روابطمان با توده‌های مخالف این رژیمها حفظ کرده ایم و بدین ترتیب به اصولی که قاعدتاً می‌بایست راهنمای عمل ما باشد و بر حسب آن متشاه واقعی نیرومندی، ب که در حمایت و محبوبیت توده است همن کجی می‌کردیم».

باری با تمام مسائل گفته شده ذکر این نکته ضروری است که هنوز هم پس از سالها مردم اولوه فلسطین چشم به سازمان آزادیبخش فلسطین دوخته‌اند تا همانند اوایل تشکیل مبارزه جدی با اسرائیل را تحقق دهد و امیدواریم که رهبران این سازمان به این آرزوی مردم فلسطین عمل نمایند و این صحبت تمام را پیشه خود سازند که: «نه غرب بدو شما میخورد، نه شرق، با ایمان به خدا و تکیه بر سلاح با اسرائیل بجنگید در این راه ایران اسلامی به شما یک وظیفه دینی همراه و همگام فلسطین خواهد بود چنانکه امروز شمار فتح قدس از طریق کریلا و در زبان هزاران رزمنده مسلمان ایران استند» به این امید که فلسطینها باتکیه به فلسطینیها و مسلسل قدس عزیز از دست اسرائیل غاصب آزاد سازند.

والسلام